

امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین

نقی غیائی*
قدرت‌الله نیازی**

چکیده

قرآن کریم در آیه ۱۴۳ بقره، امت اسلام را به «امت وسط» توصیف کرده و آن را دلیل شایستگی این امت در شهادت دادن بر مردم دانسته است. در باره چپستی «وسط بودن» و مصداق «امت وسط» میان مفسران فریقین اختلاف نظر است. مفسران اهل سنت، «وسط» را به عدل، خیر و اعتدال امت اسلام در مقایسه با امت‌های دیگر و نیز اعتدال احکام اسلام در مقایسه با احکام دین یهود و نصارا تفسیر نموده و مصداق «امت وسط» در قرآن را همه مسلمانان قلمداد کرده‌اند، برخی نیز اهل سنت را تنها مصداق «امت وسط» می‌دانند. مفسران امامیه با تکیه بر قرائن و احادیث، مصداق آیه را تنها ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} دانسته‌اند. مقاله حاضر، ضمن بازخوانی دیدگاه‌های مطرح در باره امت وسط، آنها را در بوته نقد گذاشته، در نهایت به این نتیجه رسیده است که منظور از امت وسط، تنها ائمه اهل بیت^{علیهم‌السلام} هستند که واسطه میان پیامبر و مردم‌اند، بر این اساس آنان در قیامت از مقام شهادت علیه مردم برخوردارند.

واژگان کلیدی

آیه ۱۴۳ بقره، امت وسط، شاهدان قیامت، تفسیر تطبیقی.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی همدان و دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی.
(نویسنده مسئول)
n_ghiasy84@yahoo.com
** استادیار دانشگاه بوعلی سینا.
gh.niazi@mailfa.co
تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۵

طرح مسئله

قرآن کریم در آیه ۱۴۳ سوره بقره از مسلمانان به عنوان امت وسط یاد کرده است و هدف و غایت آن را شاهد بودن بر مردم دانسته است، چنان که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» سؤالی که اکنون مطرح است این است، که «وسط» در این آیه به چه معنا است؟ آیا مصداق امت وسط، همه مسلمانان هستند یا گروه خاصی از آنها؟ کدام دیدگاه در مورد معنای وسط و مصداق «امت وسط» با اجزای خود آیه و آیات دیگر و نیز روایات در این زمینه همخوان است؟ و از مناقشه‌هایی که در مورد سایر دیدگاه‌ها وجود دارد، مصون است؟

مقدمه

قرآن کریم با توصیف امت اسلام به «امت وسط» آنها را نسبت به امت‌های دیگر در جایگاه برتری قرار می‌دهد و امتیازی را برای آنان ذکر می‌کند که در هیچ یک از آیاتی که به اوصاف امت اسلام پرداخته، به آن اشاره نشده است و آن امتیاز عبارت از شاهد بودن امت اسلام بر امت‌های دیگر است، به همین جهت موضوع «وسطیت امت اسلام»، از زمان پیامبر ﷺ همواره مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و هر نسلی از مسلمانان و محققان سعی کرده‌اند، مراد آیه را روشن کنند و نتیجه تحقیقات خود را برای داوری عرضه نمایند. بررسی آثار به‌جا مانده نشان می‌دهد، بسیاری از دیدگاه‌هایی که درباره امت اسلام ارائه شده فرقه‌گرایانه است؛ زیرا که تلاش شده است آیه را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که پیروان مذهب خود را مصداق امت وسط قلمداد کرده، پیروان مذاهب دیگر را نه تنها جزو این گروه به حساب نیاورند، بلکه آنها را خارج از جرگه اسلام بدانند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۴: ۳۹ - ۴۸؛ ترکی، ۱۴۱۸: ۲۹؛ صلابی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۵۷ - ۳۶۵) این مقاله سعی دارد، ضمن بازخوانی دیدگاه‌ها مطرح شده در مورد امت وسط، آنها را به بوته نقد گذاشته تا زمینه ارائه دیدگاهی که با اجزای درونی آیه و نیز با آیات دیگر و روایات سازگارتر است، فراهم شود.

مفهوم شناسی

«امت وسط» ترکیب وصفی است، از این‌رو برای روشن شدن مفهوم آن، ابتدا لازم است معنای واژه «امت» و «وسط» از نظر لغت بررسی شود.

الف) امت

کلمه امت از ریشه «أَمَّ - يَأْمُ» به معنای آهنگ، قصد و عزیمت کردن است. این واژه به جماعتی که دارای هدف واحد باشند، اطلاق می‌گردد، تفاوتی نمی‌کند آن هدف، دین واحد، یا زمان و مکان واحد باشد، اجباری باشد یا اختیاری، به هر صورت آن گروه واحد را «امت» و جمعش را امم می‌گویند. (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۳) این واژه گاهی به معنای روش، ملت و دین نیز به کار می‌رود. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۴۲۸) بررسی کاربرد این واژه نشان می‌دهد که معنای قصد، عزیمت و پیشروی در آن منظور شده است، بر این اساس، چهار عنصر در معنای این واژه دخیل هستند: انتخاب، حرکت، پیش‌رو و مقصد. با حفظ این عناصر، این واژه بر جماعت و گروهی اطلاق می‌شود که افراد آن دارای یک مقصد و هدف باشند و در این مقصد واحد رابطه واحدی میان آنها وجود داشته باشد.

ب) وسط

واژه‌شناسان لغت عربی با توجه به کاربرد کلمه «وسط» در شکل‌های ظرفی، وصفی و اسمی، دو نوع کاربرد برای آن ذکر کرده‌اند: یکی «وَسَطَ» بر وزن اسب، در این صورت این واژه معنای ظرفی دارد و به معنای چیزی است که در میان واقع می‌شود، از این رو گفته می‌شود: «جلست وسط القوم»؛ (ابن منظور، ۱۳۷۳: ۷ / ۴۲۸؛ فیومی، ۱۹۲۸: ۹۰۸) دوم «وَسَطَ» بر وزن فرس، در این صورت این لفظ، گاهی به صورت اسم به کار می‌رود که به معنای چیزی است که دو طرف آن مساوی و برابر است، مانند قبضت وسط الحبل، این معنای حقیقی این کلمه است. (فیومی، ۱۹۲۸: ۹۰۸؛ ابن منظور، ۷ / ۴۹۷ - ۴۹۸) گاهی به صورت صفت به کار می‌رود. در این صورت معنای مختلف پیدا می‌کند؛ الف) خیر، برتر و نیکوتر؛ اوسط الشيء؛ یعنی برترین و نیکوترین آن. (ابن منظور، ۱۳۷۳: ۷ / ۴۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۸)

ب) چیزی که میان خوب و بد قرار دارد. ... شيء وسط: اي بين الجيد و الرديء. (فیومی، ۱۹۲۸: م: ۹۰۸) ج) چیزی که بین افراط و تفریط قرار دارد. (ابن منظور، ۱۳۷۳: ۷ / ۴۲۹)

بررسی دیدگاه دانشوران تفسیر در مورد «وسطیت امت»

با عنایت به این که شمار زیادی از دانشوران تفسیر، مصداق خطاب «جعلناکم» را در آیه همه امت

می‌دانند، از این‌رو بر این باورند که همه، مصداق «امت وسط» بوده و از امتیاز شاهد بودن برخوردارند، به توضیح اجمالی دیدگاه مفسران در مورد «امت وسط» پرداخته می‌شود:

۱. امت اسلام، امت عادل

شماری از دانشوران تفسیر، از یک سو مخاطب آیه را همه مسلمانان می‌دانند و از سوی دیگر کلمه «وسط» را به معنای «عدل» دانسته‌اند. بر این اساس منظور از «امت وسط»؛ یعنی امت عادل. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۲؛ ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۴۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲ / ۱۷۹؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۲۶: ۱۹ / ۱۷۷) برخی روایت ابی‌سعید خدری را از پیامبر ﷺ (جصاص، ۱۴۰۵: ۱ / ۴۱) و کلمات دانشوران لغت مانند جوهری، خلیل، اخفش و قطرب را مؤید این معنا دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۸۵) حتی برخی در عین حال که کلمه «وسط» را با توجه به معنای لغوی آن به خیار [بهتر، برگزیده] معنا کرده‌اند، گفته‌اند: عبارت «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» قرینه است بر این که منظور از خیار، عدل است نه چیز دیگر. (ابن‌عربی، بی‌تا: ۱ / ۴۰)

به باور این گروه، علت اینکه خداوند امت اسلام را، امت عادل قرار داده است، این است که تا در آخرت شاهد و گواه بر امت‌های دیگر باشند، زمانی که منکر انجام رسالت پیامبرشان می‌شوند، پیامبر ﷺ نیز شهادت آنان را تأیید و امضا می‌کند. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲ / ۹) در واقع آنها را تزکیه امت می‌کند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۳)

نقد تفسیر امت وسط به عدل

تفسیر «امت وسط» به عدل با مفاد خود آیه، آیات دیگر و نیز با واقعیت مسلمانان سازگار نیست؛ زیرا از نظر قرآن مسلمانان عصر پیامبر ﷺ به سه گروه: ظالم به نفس، مقتصد و سبقت‌گیرندگان به خیر، تقسیم می‌شوند: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ». (فاطر / ۳۲)

در اینکه منظور از این سه گروه امت اسلام است، مورد اذعان همه مفسران است (اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۲۵۹۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۸۸) به باور برخی از مفسران همه مسلمانان از نظر این آیه گناه‌کارند، اما درجات گناهشان متفاوت است. (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۴ / ۵۴۲ و شازلی، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۹۴۴) اما به باور برخی از دانشوران، بر اساس این آیه دو گروه اول ظالم به نفس، میانه‌روها، آلوده به گناه هستند اما گروه سوم، یعنی گروه پیش‌رو به خاطر

درجات قربی که دارند، نه تنها آلوده به گناه نیستند، بلکه امامت آن دو گروه را نیز بر عهده دارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۴) بر این اساس نمی‌توان گفت همه امت اسلام عادل هستند، پس قطعاً آیه شامل همه مسلمانان نیست.

برخی از مفسرین که متوجه این اشکال بوده‌اند، گفته‌اند: منظور از عدالت امت در قیامت است نه در دنیا؛ چرا که عدالت در شهود در موقع ادای شهادت شرط است نه در وقت تحمل آن. از این رو خداوند همه امت را در قیامت عادل قرار می‌دهد تا از این طریق، برتری آنها را بر امت‌های دیگر نشان دهد. البته این عمل از ناحیه رسول خدا ﷺ که شهادت امت را علیه امت‌های دیگر تأیید و آنها تزکیه می‌کند، صورت می‌گیرد. (بروسوی، بی‌تا: ۱ / ۳۴۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۱۱۹) اما این توجیه با آیه سازگار نیست؛ چرا که فعل ماضی «جعلنا» دلالت دارد بر این که امت در دنیا دارای وصف عدالت است؛ چرا که اگر منظور در قیامت باشد لازم می‌آید فعل ماضی در آینده استعمال شده باشد و این خلاف ظاهر است. (الوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۰۴)

افزون بر این، چگونه رسول خدا ﷺ کسانی را که خداوند آنها را در قرآن به ظلم توصیف می‌کند، در قیامت تزکیه می‌کند و به عدالت آنها شهادت می‌دهد. چطور ممکن است رسول خدا ﷺ چشم خود را بر فجایع و جنایاتی که افرادی از امت اسلام در زمان خود آن حضرت و بعد از رحلت آن جناب مرتکب شدند، می‌بندد و به عدالت آنها شهادت بدهد؟ آیا این روایات طعن بر دین حنیف و بازی با حقایق این دین نیست؟!

خطای دیگر در این تفسیر این است که نظام دنیا با نظام آخرت اشتباه گرفته شده است، بلی در دنیا تزکیه با شهادت شهود پذیرفته می‌شود؛ چون در دنیا طبق ظاهر حکم می‌شود، اما در قیامت معیار، باطن اعمال و نیت‌ها است. امت اسلام از ظاهر اعمال امت‌های پیشین خبر ندارند، چه برسد به باطن آنها.

اینکه برخی برای رهایی از این اشکال گفته‌اند: شهادت امت اسلام علیه امت‌های دیگر بر اساس آن چیزی است که از رسول خدا ﷺ شنیده‌اند، (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۹؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲ / ۹) درست نیست، زیرا لازمه‌اش این است که شهادت از نوع نظری باشد، در صورتی که این نوع شهادت حتی در دنیا نیز اعتبار ندارد.

۲. امت اسلام امت خیر

شماری از مفسران با توجه به این که صفت «وسط» برخلاف «عدل» برای جماد و غیر جماد

واقع می‌شود، به خیر (برگزیده) معنا کرده‌اند، گفته‌اند این معنا با مفاد آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران / ۱۱۰) مطابقت دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۹) البته برخی به این دلیل که این آیه با آیه تغییر قبله ارتباط دارد، گفته‌اند: منظور از وسط در آیه خیر و برگزیده بودن است؛ چرا که این تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه که قبله ابراهیم بود، آنها را مصداق کسانی قرار می‌دهد که ابراهیم علیه السلام آنان را مسلم نامیده تا گواه بر مردم باشند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۲۷)

نقد تفسیر امت وسط به خیر و برگزیده

خدا در قرآن امت اسلام را به اوصافی مانند خیر، اجتناب، اصطفاء و ... توصیف کرده است که همه اینها در مقام منت‌گذاری بر این امت است. در کنار این اوصاف در آیه مذکور امت اسلام به وسطیت توصیف شده و این وصف را علت شهادت این امت بر مردم، بیان کرده است، از این‌رو باید کلمه وسط به‌گونه‌ای تفسیر شود که با مقام شهادت سازگار باشد. کلمه شهادت در قرآن عبارت است از تحمل - دیدن - حقایق اعمال، که مردم در دنیا انجام می‌دهند، آن حقیقت سعادت یا شقاوت، رد یا قبول، انقیاد یا تمرد باشد و سپس در روز قیامت مطابق آنچه دیده شهادت دهد، روزی که خدای تعالی از هر چیزی حتی از اعضا بدن انسان استشهاد می‌کند و شهادت می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۲۱) و معلوم است که چنین مقام کریمی شأن همه امت نیست؛ چون کرامت خاصه‌ای است برای اولیا طاهرین از ایشان و اما صاحبان مرتبه پایین‌تر از اولیا که مرتبه افراد عادی و مؤمنین متوسط در سعادت است، چنین شهادتی ندارند تا چه رسد به افراد جلف و توخالی و از آن پایین‌تر، فرعون‌های طاغی این امت؛ زیرا هیچ عاقلی جرئت نمی‌کند بگوید این طبقه از امت نیز مقام شهادت بر باطن اعمال مردم را دارا هستند.

از سوی دیگر در جایی که امت را به خیر توصیف کرده علت آن را ایمان به خدا و انجام دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده است. اگر بپذیریم که منظور خداوند از امت وسط، خیر بودن است، نمی‌توان گفت خداوند در این آیه همه امت را به نحو عام استغراقی اراده کرده و همه آنها را خیر دانسته است؛ زیرا شهادت که غایت وسطیت امت بیان شده، چه به معنای شهادت در آخرت باشد و چه در دنیا و یا هر دو، خود قرینه است بر اینکه همه امت به نحو عام استغراقی اراده نشده است؛ چرا که در میان امت اسلام کسانی بودند و هستند که نمی‌توان گفت خدا آنها را شاهد بر مردم قرار داده است. از این‌رو اگر وسط به معنای خیر و برگزیده باشد، مخاطب «و کذلک جعلنکم أُمَّةً وسطاً» به نحو قضیه موجهه جزیه است؛ یعنی از میان شما، افرادی

را که وسط هستند شاهد بر اعمال دیگران قرار دادیم، چنان که در آیات دیگر نیز مانند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، (آل عمران / ۱۱۰) «هُوَ اجْتَبَاكُمْ» (حج / ۷۸) «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (فاطر / ۳۳) که به عنوان شاهد ذکر شده بودند، همه مسلمانان، به نحو عام استغراقی، اراده نشده‌اند، بلکه مراد قرآن، گروه خاصی از امت اسلام است؛ چرا که خداوند در آیاتی از قرآن کریم ناخرسندی خود را از برخی از مسلمانان ظاهری ابراز کرده است، به اینکه نمی‌اندیشند، نمی‌فهمند، سپاسگزار نیستند، فاسق‌اند، جاهل‌اند، نسبت به حق کراهت دارند. امتی که چنین وضعی دارد چگونه می‌تواند بهترین امت باشد و برای امت‌های دیگر نمونه باشد و یا شاهد بر اعمال آنها باشد. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۲ / ۸۸)

۳. احکام اسلام، احکام معتدل

برخی از مفسران «وسط» در آیه مورد بحث را به اعتدال خود دین تفسیر کرده و گفته‌اند: اسلام در اعتقادات، اخلاق، احکام و قوانین معتدل است، اما اینکه منظور از وسط بودن دین اسلام چیست؟ نظر یکسانی ندارند؛ برخی گفته‌اند: اسلام در مقایسه با دین یهود و نصارا حد وسط است؛ چرا که اسلام برخلاف یهودیت و مسیحیت، از نظر اعتقادات، اخلاق و قوانین واجب و حرام، طهارت و نجاست و عبادت، راه وسط را پیموده و افراط و تفریط در آن وجود ندارد، به همین جهت است که کامل‌ترین دین، با عظمت‌ترین اخلاق و بهترین اعمال به این امت اختصاص داده شده است و خداوند از حلم، علم، عدل احسان به این امت چیزی را بخشیده که به هیچ امتی نبخشیده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۵) بر این اساس وسط بودن امت اسلام به لحاظ وسط بودن احکام آن است.

برخی گفته‌اند: خداوند در تشریح احکام توان متوسط مردم را در نظر گرفته است نه افراد قوی و نه افراد ضعیف؛ چرا که معیار و میزان وسط از هر چیزی مرکز اعتدال و نقطه توازن آن است هر چند وسط، غایت کمال نیست و فوق وسط منزلی است که از آن برتر است، با این وصف وسط از مافوق خود بهتر است؛ چرا که ثابت‌تر و بادوام‌تر است و به خواسته‌های مردم نزدیک‌تر است. اکثر مردم توان تحمل آن را دارند برخلاف مافوق وسط که برای اکثر مردم قابل تحمل نیست به همین جهت است که خدا احکام خود را وسط؛ یعنی معتدل تشریح فرموده است. تشریح احکام در واقع پیمانی است که بین شارع و مردم منعقد می‌شود و مردم موظف به انجام آن هستند، پس باید احکام به‌گونه‌ای وضع و تشریح شود که افراد قوی، ضعیف و متوسط، توان

انجام آن را داشته باشند. هرچند افراد قوی توان انجام تکالیف سخت‌تر را دارند اما شارع نمی‌تواند آنها را معیار جعل احکام قرار دهد؛ چرا که در این صورت افرادی که توان آن را ندارند، معاقب خواهند شد و این برخلاف حکمت الهی است. (خطیب، بی‌تا: ۱ / ۱۶۸)

نقد و ارزیابی این دیدگاه

اولاً، آیه مذکور خود امت را «وسط» معرفی کرده، نه احکام و شرایع آن را، مگر اینکه گفته شود، از آنجا که تعالیم اسلام وسط و معتدل است، موجب اعتدال امت شده است. در واقع آیه می‌خواهد بگوید: این اعتدال دست‌پرورده تعالیم وسط و معتدل است. (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۲)

ثانیاً، نمی‌توان احکام و شرایع اسلام را با احکام و شرایع دین یهود مقایسه کرد و گفت: اسلام در اعتقادات، اخلاق، احکام و قوانین معتدل است؛ چرا که احکام و شرایع هر دینی با توجه با نیاز و شرایط زندگی آن زمان تشریح شده، بنابراین احکام آن دین در زمان خود کامل و معتدل بوده، اما برای زمان‌های دیگر ممکن است چنین نباشد، ولی این دلیل بر نقص آن دین نیست؛ چرا که قرآن کریم خود به یگانگی جوهر ادیان آسمانی تصریح کرده است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ.» (شوری / ۱۳) در عین حال آنها را از نظر شرایع متفاوت دانسته است. این تفاوت را نه در افراط و تفریط و اعتدال، بلکه از جهت شمول و عدم شمول بیان کرده است، از نظر قرآن، شریعت اسلام شامل همه چیز است، در صورتی که شریعت‌های پیشین تنها شامل مسائلی بوده که خیلی مورد اهمیت بوده است، از این‌رو از شریعت اسلام به «ایحاء» و از شرایع پیشین به «ایضاء» تعبیر کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۸) ثالثاً از سخنان این گروه از دانشمندان به‌دست می‌آید که مقایسه بین اسلام که کتاب آسمانی دست‌نخورده با دین یهود و نصارا که کتاب آسمان آنان تحریف شده، صورت گرفته است. در صورتی که قرآن خود، بسیاری از عقاید این دو را برگرفته از باورهای بت‌پرستان می‌داند، چنان که می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ» (توبه / ۳۰) علامه طباطبایی می‌نویسد: مذهب وثنیت که در روم و یونان و مصر و سوریه و هند بود، به نقاط یهودی‌نشین و نصرانی‌نشین؛ یعنی فلسطین و حوالی آن نزدیک‌تر و انتقال عقاید و احکام دینی آنان به میان اهل کتاب آسان‌تر و اسباب این انتقال فراهم‌تر بود. (طباطبایی، ۱۳۱۴: ۳ / ۳۰۶) به همین جهت خداوند غلو اهل کتاب را در دینشان ناشی از تقلید کورکورانه آنان از هوا و هوس مردمان گمراه قبل از ایشان

می‌داند. (مائده / ۷۷) نه برگرفته از فرمان الهی (توبه / ۳۱) بنابراین مقایسه شریعت اسلام با شریعت کنونی یهود و نصارا و حکم به این که شریعت اسلام نسبت به آن دو وسط و معتدل است، درست نیست.

۴. امت اسلام، امت معتدل و میانه‌رو

شماری از مفسران، خطاب در «جعلناکم» را متوجه همه مسلمانان دانسته و کلمه «وسط» را به اعتدال و میانه‌روی معنا کرده‌اند. به باور این گروه از دانشوران خدا، خود امت را به اعتدال و میانه‌روی توصیف کرده است؛ منظور از اعتدال امت، اعتدال از نظر اعتقادی نسبت به اهل کتاب است؛ چرا که نصارا درباره مسیح علیه السلام غلو کردند و او را فرزند خدا بلکه خود خدا دانستند و یهود در مورد پیامبران تفریط کردند و آنها را به قتل رساندند و کتاب آسمانی خود را تحریف نمودند و در عمل به دین کوتاهی کردند، اما امت اسلام بر همه انبیا آن گونه که شایسته بود، ایمان آوردند (طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۴۲) یهود و نصارا در عمل به شریعت مانند: عبادات، نجاست و پاکی، خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها و ... ، دچار افراط و تفریط هستند، در صورتی که امت اسلام در عمل به شریعت دچار افراط و تفریط نیستند. (همان، ۲ / ۵)

امت اسلام در جمع بین جانب روح و جسم، وسط هستند، هم جانب جسم را نگه می‌دارند و هم جانب روح را، اما گروهی از نصارا و مرتاضان هندی تنها جانب روح را تقویت کرده و به ترک دنیا و رهبانیت دعوت می‌کنند، مشرکان و یهود تنها جانب مادیت را گرفته و جز زندگی دنیا و رسیدن به لذت‌ها و زینت‌های آن، چیزی را طلب نمی‌کنند. (رشیدرضا، ۱۳۵۴: ۲ / ۵؛ مراغی، بی‌تا: ۲ / ۶)

امت اسلام در مقایسه با دیگران، از نظر فکر و اندیشه میانه‌رو بوده، چنان که از نظر تربیت نیز میانه‌رو هستند. (شازلی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۱۳)

امت اسلام بین مصالح فرد و اجتماع جمع کرده، به فرد اجازه طغیان علیه اجتماع نمی‌دهد، چنان که شخصیت فرد را در اجتماع نادیده نمی‌گیرد. (حجازی، ۱۴۱۳: ۲ / ۸۲) این اعتدال و میانه‌روی است که امت اسلام را شایسته کرده تا در قیامت گواه بر امت‌های دیگر باشد. (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۸۴)

این اعتدال امت اسلام است که آنها را حجت، شاهد و نمونه‌ای کامل برای امت‌های دیگر می‌کند، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله الگوی تام برای امت اسلام و حجت بر آنان است. (خطیب، بی‌تا: ۱ / ۱۶۶)

نقد تفسیر امت وسط به امت معتدل و میانه‌رو

اینکه شماری از دانشوران بر این باورند که آیه شریفه امت اسلام را، در مقایسه با سایر امت‌ها از نظر اعتقادی، عملی، اخلاقی، تربیتی و ... معتدل معرفی می‌کنند؛ اگر منظورشان عده‌ای از امت باشد که به لحاظ وجود آن عده در میان امت، همه امت وسط معرفی شده‌اند، سخنی است درست؛ اما اگر منظور این است که امت به صورت جمع استغراقی معتدل هستند، قطعاً نمی‌تواند درست باشد؛ چرا که از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: امت من بعد از من هفتاد و دو فرقه می‌شود، تنها یک گروه اهل نجاتند، سایر گروه اهل آتش خواهند بود. (ابن بطة، ۱۴۱۷: ۱ / ۳) احادیث «افتراق امت» را محدثان سنی و محدثان شیعه با سندهای مختلف نقل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۷۹) که می‌توان در مورد آن ادعای تواتر معنوی کرد. ابن‌ابی‌حاتم از علی بن ابی‌طالب ﷺ روایت کرده که گفت: بنی‌اسرائیل بعد از موسی به هفتاد و یک فرقه منشعب شدند و اهل نجات از همه آنها یک فرقه است و مابقی در آتش‌اند و نصارا بعد از عیسی ﷺ به هفتاد و دو فرقه منشعب شدند و اهل نجات از آنها تنها یک فرقه (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۳۶) باز از ابن‌ابی‌حاتم از ربیع در تفسیر آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» از قول رسول خدا ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: در میان امت من همواره عده‌ای هستند که پایدار بر حقند تا روزی که عیسی بن مریم نازل شود، هر وقت که نازل شود. (همان: ۱۴۹)

اندک زمانی از رحلت پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ نگذشته بود که جامعه اسلامی، همان‌طور که رسول خدا ﷺ آن را پیش‌بینی کرده و نسبت به آن هشدار داده بود، گرفتار اختلاف‌ها و تنازعات سیاسی - مذهبی شد. داستان افتراق و اختلاف امت اسلامی را باید به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر پذیرفت. ابن‌عاشور می‌نویسد: رسول خدا ﷺ فرمود: «فلا ترجعوا بعدي كفارا يضرب بعضكم رقاب بعض» بعد از من کافر نگردید در نتیجه برخی گردن برخی را بزنید. سپس می‌گوید: مسلمانان این نصیحت بزرگ را نشنیدند، اختلاف کردند، یکدیگر را تکفیر نمودند، با هم جنگیدند، این جنگ‌ها ناشی از تکفیر یکدیگر بود؛ چرا که صرف اختلاف موجب جنگ نمی‌شود؛ سپس نمونه‌هایی از تکفیر و جنگ‌های مسلمانان با یکدیگر را نقل کرده است؛ مانند جنگ با مرتدین در زمان ابوبکر، جنگ‌های زمان امام علی ﷺ، جنگ پیروان مُقَنَع در نیمه اول قرن دوم در خراسان، مخالفت قرامطه با مسلمانان اواخر قرن سوم، جنگ یزید خارجی نکاری در قیروان در سال ۳۳۳، جنگ شافعیه و حنابله در ۴۰۷ در بغداد، جنگ بین شیعه و اهل سنت در سال ۴۷۵ در

بغداد، جنگ اسماعیلیه با اهل سنت در ساوه در سال ۴۹۴ و جنگ‌های دیگری که همگی از تکفیر و گمراه شمردن مسلمانان یکدیگر را ناشی شده است. (ابن عاشور، بی تا: ۲ / ۴۸۸)

۵. امت وسط، واسطه بین پیامبر ﷺ و مردم

بر اساس مفهوم لغوی کلمه «وسط» و کاربرد قرآنی آن، دانشوران تفسیر احتمال‌های مختلفی را در مورد امت وسط ذکر کرده‌اند، هیچ کدام با مراد آیه مطابقت ندارد؛ زیرا برای به دست آوردن معنای لفظ، افزون بر معنای لغوی، که موضوع له آن است، باید به معنای استعمالی و اراده گوینده از آن نیز توجه شود؛ چرا که دلالت لفظ بر معنا تابع اراده گوینده است، گاهی گوینده لفظ را در همان معنای موضوع له به کار می‌برد، گاهی در معنایی که اراده کرده است به کار می‌برد، از این رو برای تعیین معنای اراده شده، نیاز به قرینه است، اگر قرینه‌ای نباشد، لفظ بر معنای موضوع له خود حمل می‌شود. (مظفر، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۰ و ۲۱) در خود آیه قرآنی وجود دارد که نشان می‌دهد، منظور از «وسطیت» در آن وساطت امت است، بدین معنا که امت بین مردم و پیامبر ﷺ واسطه است؛ یعنی همان گونه که رسول خدا ﷺ واسطه فیض و هدایت الهی برای مردم است، امت نیز واسطه هدایت مردم است، منتهی امت فیض را از رسول دریافت کرده، به مردم می‌رسانند. این هدایت با تبیین وحی الهی توسط رسول خدا ﷺ و بر اساس سنت آن حضرت انجام می‌گیرد.

مصدق امت وسط در آیه

همان طور که دانشواران تفسیر، در مفهوم «امت وسط» اختلاف نظر دارند، در چستی مصداق آن نیز دارای اختلاف‌اند.

۱. همه مسلمانان

از بررسی دیدگاه مفسران در مورد «امت وسط» روشن شد که از نظر شمار زیادی از ایشان، همه کسانی که دعوت پیامبر ﷺ را پذیرفته‌اند، مصداق امت وسط هستند، در ضمن ارزیابی دیدگاه‌ها روشن شد که امکان ندارد همه افراد را مصداق امت وسط شمرد.

۲. اصحاب پیامبر، تابعین و اهل سنت

عده‌ای از مفسران مصداق آیه را در درجه اول اصحاب پیامبر ﷺ دانسته‌اند، بعد تابعین و تابعین

تابعین و سپس کسانی که ادامه‌دهندگان راه صحابه بودند؛ چرا که بعد از خلفای راشدین، در زمان علی علیه السلام در میان مسلمانان اختلاف پیدا شد، خوارج با بدعت‌هایشان و شیعیان با غلو و فتنه‌هایشان ظاهر شدند، این بدعت‌گذاری‌ها و غلو کردن توسط این دو گروه ادامه پیدا کرد، در این میان تنها اهل سنت بودند که با تمسک به کتاب خدا و سنت رسول خدا با بدعت‌گذاری و غلو و افراط و تفریط‌ها مبارزه کرده و می‌کنند، پس اینها مصداق امت وسط هستند که در صراط مستقیم حرکت می‌کنند. (صلابی، ۱۴۲۶: ۳)

ابن تیمیه در کتاب *مقاصد العقیده الواسطیه* می‌نویسد: «فهذا اعتقاد الفرقة الناجیه المنصوره؛ آنچه که در این کتاب می‌نویسم عقیده گروه نجات یافته و یاری شده است.» عبدالرحمن براق در توضیح عبارت وی می‌نویسد: «این جمله ابن تیمیه از احادیث نبوی گرفته شده است» که پیامبر فرمود: «امت من بعد از من هفتاد و سه گروه می‌شوند که فقط یک گروه اهل نجاتند» از آن حضرت سؤال شد آن گروه چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که امروز بر آنچه که من و اصحاب من هستند، باشند.» در حدیث دیگر فرمود: «پیوسته گروهی از این امت من بر حق هستند و پیروز، کسانی که با آنها مخالفت می‌کنند به آنها ضرر نمی‌رسانند تا امر خدا فرا رسد.» ایشان بعد از نقل این دو حدیث می‌نویسد: «منظور از فرقه ناجیه منصوره، اهل سنت و جماعت هستند که خود را به روش پیامبر و اصحاب او ملتزم می‌دانند و به ریسمان الهی چنگ می‌زنند و از تفرقه و اسباب آن دوری می‌کنند.» (براک، ۱۴۳۱: ۲۸ و ۲۹) قاسمی بعد از تفسیر امت وسط به امت معتدل و توضیح اعتدال می‌نویسد:

اهل سنت و جماعت در میان فرقه‌های اسلامی این‌گونه هستند: آنها در باب اسما، آیات و صفات الهی بین اهل تعطیل و تشبیه، وسط هستند، در باب خلقت و امر الهی بین تکذیب‌کنندگان قدرت خدا [منظور معتزله] و فاسدکنندگان دین خدا [اشاعره] که برای بنده قدرت و مشیتی قائل نیستند، وسط هستند. در باب وعد و وعید وسط هستند؛ چرا که نه مانند وعیدیه مرتکبان گناه کبیره را مخلص در آتش می‌دانند و نه مانند مرجئه، ایمان فاسقان را هم‌سنگ ایمان پیامبران می‌دانند.

در مورد اصحاب رسول خدا نه اهل غلواند (مانند شیعه) که علی علیه السلام را بر ابوبکر و عمر برتری دهند و نه همانند اهل جافیه هستند که به کفر علی و عثمان معتقد باشند و خون آن دو و پیروانش را حلال بدانند. همچنین آنان در سایر

ابواب سنت وسط هستند؛ چرا که به کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ و آنچه سابقین از مهاجر و انصار بر آن اتفاق داشتند، تمسک می‌کنند. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴۲۲ / ۱ - ۴۲۱)

عبدالله ترکی می‌نویسد: «اهل سنت و جماعت گروه نجات یافته از میان فرقه‌های اسلامی هستند، چرا که آنها اصحاب راه روشن حق هستند که وسطیت امت اسلامی را مجسم می‌سازند.» سپس از قول ابن تیمیه چنین نقل می‌کند: «این فرقه نجات یافته در میان امت، وسط هستند، چنان که اسلام، در میان ملل، وسط است.» (ترکی، ۱۴۱۸: ۲۹) به باور وی بسیاری از مسلمانان مانند معتزله، مرجئه، شیعه و ... به خاطر اینکه از اعتدال خارج شده‌اند و از نظر اعتقادی دچار افراط و تفریط گشته‌اند، از مصداق «امت وسط» خارج هستند. (همان، ۱۴۱۸: ۲۷ - ۳۰)

نقد و ارزیابی

این گروه تلاش می‌کنند تاریخ پیدایش اصطلاح اهل سنت را به عصر پیامبر ﷺ ربط دهند، چنان که غزالی از پیامبر نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «ملت یهود هفتاد و یک گروه و ملت نصارا هفتاد و دو گروه شدند و امت من، هفتاد و سه گروه می‌شوند، یکی از آنها اهل نجات و دیگران اهل آتش‌اند، سؤال شد، گروه ناجی کیست؟! فرمود: «اهل سنه و جماعه»، باز پرسیده شده، سنت و جماعت چیست؟ فرمود: «آنچه من و اصحاب من بر آن هستند». (غزالی، ۱۹۶۴: ۸)

ابن کثیر و سیوطی در ذیل آیه «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ» (آل عمران / ۱۰۶) از ابن عباس نقل کرده‌اند که منظور از کسانی که چهره‌هایشان در قیامت سفید می‌شود اهل سنت و جماعت است، کسانی که چهره‌هایشان سیاه می‌شود، اهل بدعت و ضلالت هستند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۷۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۳) سیوطی این سخن را از ابن عمر و ابی سعید خدری از پیامبر نقل کرده است، در صورتی که اولاً پیدایش اصطلاح اهل سنت، به اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم هجری بازمی‌گردد، زیرا در رساله‌هایی که عمر بن عبدالعزیز (متوفای ۱۰۱ ق) در ابطال نظریه قدریه نوشته است، نخستین بار اصطلاح «اهل السنه» را به کار برده است. (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۳۴۶)

ثانیاً اهل سنت به کسانی اطلاق می‌شود که به طریقه صحابه و راه و روش آنان هستند و

دارای اعتقادات خاصی می‌باشند. (بغدادی، ۱۴۱۹: ۲۴۹) راه و روش صحابه در صفات خبری، مانند «یدالله»، «عین الله» و «استواء بر عرش» این بود که ظاهر آیه را دست‌کاری نکرده و برای خدا، واقعاً دست و چشم و برقراری بر عرش ثابت می‌کردند، در حالی که روش دیگران در این مورد، تأویل این نوع صفات خبری است و این نوع آیات را از طریق کنایه و مجاز تفسیر می‌کردند. (براک، ۱۴۳۱: ۹۳ - ۹۴)

به باور ایشان خدا در عرش خود قرار دارد و هرگونه که بخواهد بر بندگان نزدیک می‌شود و هر وقت بخواهد به آسمان دنیا فرود می‌آید. (ذهبی، ۱۴۱۶: ۱۲۰)

ثالثاً بسیاری از صحابه، تابعین و اهل سنت، نمی‌توانند مصداق گروه نجات‌یافته در حدیث مذکور و مصداق امت وسط در آیه مسبوق باشند؛ زیرا بر مبنای حدیث مذکور فرقه ناجیه لزوماً می‌باید به روشنی از دیگران تمایز یافته و از آنان جدا شده باشد، تا بتواند دور از دیگران راه راست را بییماید. همه مذاهب اهل سنت به لحاظ اعتقادی با هم مشترکند، تنها شیعه است که به لحاظ اعتقادی از آنها جدا می‌شود. علامه حلی می‌گوید: «من از استادم درباره علت لزوم اتباع از مذهب امامیه پرسیدم»، وی در پاسخ گفت: «بجثنا عنها وعن قول رسول الله ﷺ: ستفترق أمتی علی ثلاث و سبعین فرقه، فرقه منها ناجیه والباقي فی النار، فوجدنا الفرقة الناجیه هی فرقه لآمامیه، لأنهم باينوا جميع المذاهب و جميع المذاهب قد اشترکت فی أصول العقاید». (حلی، ۱۴۰۷: ۴۹)

رابعاً همان‌طور که اهل کتاب تحت تأثیر عقاید وارداتی مشرکان در مورد خداوند دچار افراط و تفریط شدند، از قضا اهل سنت نیز عقایدی را که از طریق «اجار یهود» وارد محیط اسلامی شد را پذیرفتند، مانند رؤیت خدا، ابن تیمیه می‌گوید: «و امکان رؤیته تعلم بالدلائل العقلیه القاطعه» (شلبی، ۱۳۸۶: ۸۳) بنابراین آنان همانند یهود در مورد خداوند از نظر اعتقادی، گرفتار تشبیه شدند.

۳. امت وسط گروهی برگزیده، واسطه بین پیامبر ﷺ و مردم (نظریه مختار)

همان‌طور که اشاره شد، منظور از وسطیت در آیه وساطت است نه چیز دیگر، همچنین همه مسلمانان مراد نیستند بلکه گروهی از آنها مرادند. به عبارت دیگر مصادیق آیه به صورت موجه جزئی مراد است نه موجه کلیه، البته استعمال در خاص نشده، بلکه آیه عام است، ولی مصداق عام گروه خاصی از مؤمنان است نه همه آنها. قرائنی در خود آیه و نیز آیات دیگر وجود دارد که نشان می‌دهد، امکان ندارد منظور از «امت وسط» همه مسلمانان باشد، بلکه گروه خاصی هستند که هدایت امت بعد از پیامبر ﷺ به آنها سپرده شده است، این گروه جز ائمه علیهم‌السلام کسان دیگر نیستند.

دلایل درون متنی

۱. وساطت بین مردم و پیامبر ﷺ

خود آیه صدر و ذیل امت وسط را مشخص کرده است، صدر آن رسول خدا ﷺ و ذیل آن مردم؛ یعنی مسلمانان هستند، بنابراین توده مردم خود یک طرف هستند.

۲. شهادت

محور وساطت مزبور، شهادت بر مردم است. روشن است، ظرف شهادت صحنه قیامت است، لازمه چنین شهادتی این است که شهود، اولاً علم به باطن اعمال داشته باشند، ثانیاً معصوم باشند؛ چرا که بدون این ویژگی حجت تمام نخواهد شد. غیر از ائمه علیهم السلام درباره هیچ یک از اصحاب و مسلمان ادعای عصمت و علم به باطن نشده است.

۳. شهادت رسول ﷺ

قرینه سوم شهادت رسول خدا ﷺ بر امت وسط است، منظور از شهادت رسول خدا بر آنها، در واقع، تصدیق شهادت آنها است. معنایش این است که این گروه همانند رسول از شئونی برخوردارند که بر اساس آن در قیامت شاهد بر مردم هستند، آنچه را که از شهادت مطرح می‌کنند، مورد تصدیق رسول خدا ﷺ قرار می‌گیرد، این امر مستلزم آن است که از ویژگی‌های پیامبر ﷺ (علم و عصمت، انتخاب از ناحیه خداوند) برخوردار باشند. جز اهل بیت علیهم السلام هیچ کسی در میان مسلمانان از این اوصاف برخوردار نبودند.

دلایل برون متنی

افزون بر قرائن درون متنی آیه، یک سلسله دلایل برون متنی وجود دارد، مبنی بر این که منظور از امت وسط در آیه ائمه علیهم السلام هستند.

۱. ائمه علیهم السلام مصداق امت در قرآن

گرچه امت در قرآن در موارد گوناگونی مانند، همه مردم، گروهی از مردم، حتی زمان، حیوانات و ... به کار رفته است، ولی این واژه در قرآن در مورد عموم مردمی که به دعوت پیامبر ﷺ ایمان آورده‌اند، به کار نرفته است، بلکه به کسانی اطلاق شده که از ذریه ابراهیم علیه السلام بودند، وقتی

آن جناب کعبه را بنا کرد، از خداوند درخواست نمود که از ذریه‌اش امتی مسلمان پدید آورد، «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ» (بقره / ۱۲۸) منظور از اسلام معنای ظاهری آن که شامل اسلام منافق، ظاهرالاسلام و اسلام واقعی نیست، چرا که ابراهیم علیه السلام در مقام دعا این درخواست را نموده است، نه در مقام تشریح، در مقام دعا جز حقیقت درخواست نمی‌شود، پس منظور ابراهیم علیه السلام از امت، افراد خاصی هستند که از نسل ابراهیم بوده و محلی به اسلام حقیقی هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۸۶) این امت مسلمان، همان امت محمد صلی الله علیه و آله است، اما نه امت محمد صلی الله علیه و آله به معنای کسانی که آن جناب به سوی آنان مبعوث شده و نه امت محمد صلی الله علیه و آله به معنای آن کسانی که به وی ایمان آوردند، بلکه کسانی که از ذریه ابراهیم علیه السلام بوده و از شرک و ضلالت دور نیز باشند؛ یعنی معصوم باشند، اما همه ذریه ایشان معصوم نبودند، چون تمامی عرب مضر و یا خصوص قریش از ذریه آن جناب بودند، ولی مردمی گمراه و مشرک بودند پس منظور ابراهیم علیه السلام از ذریه خود، خصوص اهل عصمت از ذریه است که عبارت‌اند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت طاهریش.

۲. امت وسط در احادیث فریقین

احادیثی که در منابع روایی و تفسیری اهل تسنن در مورد امت وسط نقل شده، همه مسلمانان را مصداق امت وسط قلمداد کرده که خداوند شهادت آنها را در دنیا و آخرت علیه دیگران می‌پذیرد. جابر بن عبدالله می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای در بنی سلمه حاضر شد و من نیز کنار آن حضرت بودم، برخی از افراد حاضر گفتند: «یا رسول الله سوگند به خدا چه مرد خوبی بود، فردی پاک‌دامن مسلمان بود، همچنین افراد دیگر او را ستودند» پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا تو درباره او این‌گونه قضاوت می‌کنی؟» عرض کردم: «این آن چیزی است که برای ما آشکار شده و خداوند به نهان‌ها آگاه است.» پیامبر فرمود: «[بهشت] بر او واجب شد.» (ابن کثیر ۱۴۱۹: ۱ / ۳۲۸) سپس آن جناب بر جنازه‌ای در قبیله بنی حارثه یا بنی عبدشهل حاضر شدند و شخصی گفت: «این مرده چه انسان بدی بود، خشن و تند بود»، پیامبر فرمود: «آیا تو درباره او چنین می‌گویی؟» عرض کرد: «خدا به نهان‌ها آگاه است و من آنچه را که برایم آشکار شده می‌گویم» پیامبر فرمود: «[جهنم] بر او واجب شد.» سپس حضرت آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» را خواند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۴۵) همچنین انس نقل می‌کند اصحاب بر جنازه‌ای گذشتند و او را به نیکی یاد کردند. پیامبر سه بار فرمود: «واجب شد» و به جنازه‌ای

گذشتند و از او به بدی یاد کردند، آن جناب سه بار فرمود: «واجب شد.» عمر پرسید: منظور چیست؟ حضرت فرمود: «آن را که به نیکی یاد کردید بهشت بر او واجب شد و آن را که به بدی یاد کردید آتش بر او واجب شد» سپس سه بار فرمود: «أنتم شهداء الله في الأرض»، ترمذی افزوده که پیامبر ﷺ سپس آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً...» را تلاوت کردند. (مراغی، بی تا: ۱۱ / ۲۱) بر اساس مفاد این احادیث منظور از امت وسط، همه مسلمانان هستند که خداوند شهادت آنان را در مورد دیگران می پذیرد.

البته در برخی از منابع اهل سنت روایاتی است که مصداق «امت وسط» را تنها اهل بیت ﷺ دانسته است؛ سلیم بن قیس از امام علی ﷺ نقل می کند که فرمود: «إن الله إيانا عني بقوله تعالى: لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ فرسول الله شاهد علينا و نحن شهداء الله علي الناس [علي خلقه] و حجه في أرضه و نحن الذين قال الله جل اسمه [فيهم] وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا». (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۱۲۰).

نقد و ارزیابی

از توضیحات بیان شده در گفتار اول به دست آمد که این روایات با خود آیه و دیگر آیات در تعارض است، به همین جهت نمی توانند مفسر آیه به شمار آیند.

اما احادیث امامیه، تنها ائمه ﷺ را مصداق «امت وسط» ذکر می کند، ابی بصیر می گوید: از امام صادق ﷺ درباره آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...» پرسیدم، فرمود: «نحن الشهداء علي الناس بما عندهم من الحلال و الحرام و ما ضيعوا منه». (صفار، ۱۴۰۴: ۱ / ۸۲)

برید عجلی می گوید: از امام باقر ﷺ راجع به آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» پرسیدم، فرمود: «نحن الأئمة الوسط و نحن شهداء الله تبارك و تعالي علي خلقه و حججه في أرضه ... فرسول الله ﷺ الشهيد علينا بما بلغنا عن الله تبارك و تعالي و نحن الشهداء علي الناس، فمن صدق يوم القيامة صدقناه و من كذب كذبناه.» (کلینی ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۱) از امام علی ﷺ نقل شده که فرمود: إن الله تعالي إيانا عني بقوله: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ فرسول الله شاهد علينا و نحن شهداء الله علي خلقه و حجته في أرضه و نحن الذين قال الله تعالي: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۴۱۶) برخی روایات افزون بر اینکه ظهور در حصر دارند، علت را نیز یادآور شده اند.

امام باقر ﷺ فرمود: «إِنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ يَعْنِي عَدْلًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.» قال: «وَ لَا يَكُونُ شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ إِلَّا الْأَئِمَّةُ وَ الرَّسُلُ؛ فَأَمَّا الْأُمَّةُ فَإِنَّهُ غَيْرُ

جایز آن يستشهدها الله تعالی علی الناس و فيهم من لاتحوز شهادته في الدنيا علي حزمه بقل». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۴۵۳)

برخی از دانشوران معاصر می‌گویند: مضمون این روایت، حصر است. اگر دلیل دیگری بر شهادت غیر امام معصوم دلالت کند این حصر اضافی بوده و قابل تقييد است و گرنه به همان حصر حقیقی باقی است. استدلال به این روایت بر عدم اراده همه مردم از عنوان «امت وسط»، همان نکته‌ای است که در روایت به آن اشاره شد و آن اینکه چگونه ممکن است خدای سبحان کسانی را که شهادت آنها درباره مالی ناچیز، مانند دسته‌ای سبزی پذیرفته نیست، به‌عنوان شاهدان بر اعمال مردم در روز قیامت معرفی کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۷ / ۳۶۶) به نظر می‌رسد، حصر در آیه حقیقی است نه اضافی، به همین جهت آیه در عین حال که عام است، تنها شامل ائمه علیهم‌السلام و سایرین به قرائن داخلی و خارجی از شمول آیه بیرون هستند، از این رو اطلاق «امت وسط» بر ائمه علیهم‌السلام از باب حقیقت خواهد بود نه مجاز.

نتیجه

یک) محور اصلی بحث در این آیه پیرامون وسط بودن امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. آیا مقصود از امت وسط در این آیه افراد خاصی است یا اینکه همان‌طور که آیه ظهور در عموم دارد به عمویت خود باقی است؟

دو) مفسران، هم در مفهوم وسط در آیه و هم در تعیین مصداق «امت وسط» اختلاف نظر دارند. سه) از دیدگاه مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعه، مصداق «امت وسط» همه کسانی است که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورده‌اند. اساس این نظریه را مفهوم لغوی واژه «امت» و «وسط» و نیز کاربرد این واژه در قرآن تشکیل می‌دهد، البته نصوص روایی اهل سنت نیز گویای این است که همه مسلمانان مصداق آیه هستند.

چهار) از نظر شمار زیادی از مفسران شیعه، آیه به‌رغم عام بودن و ظهورش در عموم، شامل همه کسانی که دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را پذیرفته‌اند، نمی‌شود. اساس این نظریه را شهادت امت، به عنوان غایت جعل امت، تشکیل می‌دهد که بر اساس آن باید، از عصمت و علم به باطن اعمال بر خوردار باشند، قطعاً همه مسلمانان از این دو ویژگی برخوردار نیستند.

پنج) نصوص روایی شیعه بدون هیچ اختلافی، مصداق «امت وسط» را ائمه اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند،

این روایات متواتر بوده و برخی از آنها ظهور در حصر دارند، به نظر می‌رسد، ظهورشان در حصر حقیقی باشد نه اضافی. افزون بر نصوص، قرائن داخلی و خارجی نیز مؤید این دیدگاه است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد تقی جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن تیمیه، تقی الدین، ۱۴۱۴ق، العقیده الواسطیه، بیروت، المکتب الاسلامی.
- _____، ۱۴۲۶ق، مجموعه الفتاوی، مدینه منوره، دار الوفاء، چ ۳.
- ابن جوزی، ابوالفرج، ۱۴۲۲ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، چ ۲.
- ابن عاشور، محمد، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا.
- ابن عجبیه، احمد، ۱۴۱۹ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، بی تا.
- ابن عربی، محمد، بی تا، احکام القرآن، بی جا.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتبه الاعلام الإسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار التراث العربی. چ ۳.
- ابی حاتم، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چ ۳.
- استرآبادی، محمد، بی تا، آیات الأحکام، تهران، مکتبه المعراجی.
- اصفهانی، احمد، ۱۴۱۶ق، حلیه الاولیاء، مصر، السعاده.
- اندلسی، ابو حیان محمد، ۱۴۲۰ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- براك، عبدالرحمن، ۱۴۳۱ق، توضیح مقاصد العقیده الواسطیه لشیخ الاسلام ابن تیمیه، ریاض، دار التدمریه.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.

- بغدادی، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ق، *العلوم والحکم*، بیروت، موسسه الرساله، ج ۸.
- بیضاوی، عبدالله، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ترکی، خلود ابراهیم، *بحث مقدم عن الوسطیه*، منبع الکترونی.
- ترکی، عبدالله، ۱۴۱۸ق، *الأمة الوسط و المنهاج النبوی فی الدعوه إلی الله*، ریاض، وزاره الشؤون الإسلامیه و الأوقاف و الدعوه و الإرشاد.
- ثعلبی نیشابوری، احمد، ۱۴۲۲ق، *الكشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد، ۱۴۰۵ق، *أحكام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۵، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۵.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل، ۱۳۷۸، *تاج اللغة و صحاح العربیه المسمی بالصحاح*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ق، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل جدید، ج ۱۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسکانی، عبیدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان*، تهران، کتاب فروشی لطفی.
- حلّی، حسن، ۱۳۷۹، *منهاج الكرامه فی معرفه الائمه*، مشهد، مؤسسه عاشورا.
- حمیری، عبدالله، بی تا، *قرب الاسناد*، تهران، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، قاهره، دار الفکر العربی.
- ذهبی، شمس الدین، ۱۴۱۶ق، *العلو للعلی الغفار*، ریاض، أضواء السلف.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.

- راغب اصفهانی، حسین، بی تا، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، مکتبه المرتضوی،
- رشیدرضا، محمد، ۱۳۵۴، *تفسیر القرآن الحکیم [تفسیر المنار]*، بیروت، دار الفکر.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۲۲ق، *تفسیر الوسیط [زحیلی]*، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- شبلی، نعمان، ۱۳۸۶، *تاریخ علم کلام*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران، اساطیر.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چ ۲.
- صلابی، محمد، ۱۴۲۶ق، *الوسطیه فی القرآن الکریم*، بیروت، دار المعرفه.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- _____، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- عکبری عبید الله، ۱۴۱۵ق، *الإبانة الکبری، ریاض*، دار الراهه.
- عیاشی، محمد، بی تا، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- غزالی، محمد، ۱۹۶۴م، *فضائح الباطنیه*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، کویت، دار الکتب الثقافیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، دار الهجره، چ ۲.
- فیومی، احمد، ۱۹۲۸م، *المصباح المنیر*، قاهره، المطبعه الامیریه.
- قاسمی، محمد جمال الدین، ۱۴۱۸ق، *محاسن التاویل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴.
- لالکایی، هبه الله، ۱۴۱۱ق، شرح أصول اعتقاد أهل السنه و الجماعه من الكتاب و السنه و اجماع الصحابه و التابعین و من بعدهم، ریاض، دار الطیبه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی. چ ۲
- مراغی، احمد، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، ختم نبوت، تهران، صدرا.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۶، اصول فقه، نجف، دار نعمان، چ ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر وهمکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام، چ ۲.
- نخجوانی، نعمت الله، ۱۹۹۹م، الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، مصر، دار رکابی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی